
گفتمان قرآن

بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن
(مطالعه موردی: سوره بقره)

خلود العُموش

ترجمه دکتر سیّد حسین سیّدی

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



انتشارات سخن، تهران

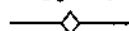
سرشناسه	: عموش، خلود
	: Amush, Khulud
عنوان قراردادی	: خطاب القرآنی: دراسة فی العلاقة بین النص والسیاق (مثل من سورة البقرة). فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: گفتمان قرآن، بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن (مطالعه موردی: سورة بقره): خلود العموش: ترجمة حسین سیدی.
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۳۷ ص.
شابک	: ISBN 978-964-372-392-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
موضوع	: قرآن — مسائل لغوی.
شناسه افزوده	: سیدی، حسین، ۱۳۴۱-، مترجم.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ۴۱۰۶۳خ/ع۸۳/۲/۲۸۸۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۱۹۲۲۰



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸



گفتن قرآن

بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن

(مطالعه موردی: سوره بقره)

خلود العموش

ترجمه دکتر سید حسین سیدی

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: سیناگار

چاپ اول: ۱۳۸۸

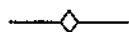
لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۳۹۲-۷ ISBN 978-964-372-392-7



مرکز پخش: انتشارات علمی، خیابان انقلاب، مقابل در بزرگ دانشگاه تهران،

شماره ۱۳۵۸، تلفن ۶۶۴۶-۶۶۷

فهرست مطالب

۷.....	یادداشت مترجم
۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول: چارچوب نظری پژوهش
۱۸.....	مبحث اول: تعریف اصطلاحات
۳۱.....	مبحث دوم: رابطه متن و بافت در آثار غربیان
۴۵.....	مبحث سوم: رابطه بین متن و بافت در آثار نویسندگان عرب
۱۳۶.....	مبحث چهارم: تجربه‌هایی در روش
۱۵۵.....	فصل دوم: رابطه متن و بافت در قرائتهای پیشینیان
	مبحث اول: رابطه بین متن سورة بقره و بافت آن
۱۵۶.....	قرائتی در آثار علوم قرآنی
	مبحث دوم: رابطه بین متن سورة بقره و بافت آن
۲۲۶.....	قرائتی در کتابهای تفسیر

مبحث سوم: رابطه میان متن سوره بقره و بافت آن	
مطالعه‌ای در کتابهای اصول فقه	۳۶۰
مبحث چهارم: رابطه میان متن سوره بقره و بافت آن	
مطالعه‌ای در کتابهای علوم قرآنی	۳۶۹
فصل سوم: میان حدود متن و افقهای بافت	۴۳۱
۱. موضوع گفتمان	۴۳۳
۲. عنوان گفتمان در پرتو نظریه بافت	۴۴۰
۳. متن و مخاطب نخستین	۴۴۳
۴. متن و مخاطبان	۴۵۵
خاتمه	۵۱۵
منابع و مراجع	۵۲۱

یادداشت مترجم

اصطلاح *discourse* یا گفتمان در زبان فارسی و حوزه‌های فرهنگی ما دیرزمانی نیست که کاربرد گسترده یافته است. این اصطلاح به «گفتار»، «سخن»، «وعظ و خطابه» و «درس و بحث» و «مقال» نیز ترجمه شده است. ریشه این مفهوم را می‌توان در فعل یونانی *discurrere* به معنای «حرکت سریع در جهات مختلف» یافت. این مفهوم گرچه به معنای تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به کار برده می‌شود ولی بر زبان به عنوان حرکت و عمل تأکید می‌شود. به عبارت دیگر، کلمات و مفاهیم، که اجزای تشکیل دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نیستند و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت ارتباط آنها دگرگون می‌شود و معانی متفاوتی را القا می‌کنند. دگرگونی این ارتباطات خود زاده دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره است؛ و چون این شرایط ثابت و پایدار نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح دهنده این شرایط است، نمی‌تواند ثابت و پایدار بماند.^۱

البته گفتمان با دیگر وجوه زبانی متفاوت است. مثلاً میان گفتمان و گرامر (دستور زبان) تفاوت بدین صورت است که «گرامر به قواعدی اشاره دارد که هر زبان برای تشکیل واحدهای نحوی نظیر بند یا جمله‌واژه *clause* و عبارت *phrase* و جمله و ... از

آن قواعد استفاده می‌کند؛ ولی گفتمان به واحدهای وسیع‌تر زبانی نظیر پاراگراف‌ها، مکالمات، گفتگوها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و نظایر آن اشاره دارد.^۱ بنابراین، تحلیل گفتمانی در نهایت به موارد زیر مربوط می‌گردد و با آنها سر و کار پیدا می‌کند:

۱. گزینش حروف تعریف، ضمائر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد؟

۲. رابطه بین پاره گفته‌ها در یک گفتمان.

۳. حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه عنوانی جدید، تغییر

عنوان یا تعیین رابطه نقشی مهم‌تر برای دیگر مشارکت‌کنندگان.^۲

گفتمان در نظریه‌های معاصر در رشته‌های مختلف هنر و علوم اجتماعی به صورت یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین مقولات درآمده است و هنوز نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و علوم انسانی توانسته‌اند برای ارائه تعریفی معقول و مشترک و تعیین چارچوب‌های دقیق و منطقی به توافق برسند. گفتمان و متن غالباً به طور متناوب به عنوان مترادف هم و به جای هم به کار می‌روند. تنها مرزبندی و تمایزی که وجود دارد از نظر روش‌شناسی است. متن = محصول مادی؛ گفتمان = فرایند ارتباطی. برخی بر این باورند که مادامی که تولید کننده و خالق متن یک نفر باشد، آن را متناظر و مشابه با گفتمان می‌دانند، ولی گفتمان را حاصل پیوند متقابل میان متون می‌دانند.^۳

اینها هفت معیار درباره متن‌مندی textuality ارائه می‌کنند. به هم پیوستگی یا اتصال cohesion و انسجام منطقی مطالب coherence، دو معیار «معطوف به متن» به شمار می‌آیند. علاوه بر این، معیارهای «معطوف به مصرف کننده» نیز وجود دارد: وجه التفات intentionality، پذیرندگی acceptability، آگاهانندگی informativity، وجه موقعیتی situationality، و متن‌مندی متقابل intertextuality. معیارهای «معطوف به مصرف کننده» باید این واقعیت را تبیین کنند که «معنا و مفهوم» گفتمان به خودی خود در صور زبانی نهفته نیست بلکه این خوانندگان یا شنوندگان اند که باید، از طریق قیاس و استدلال، معنا و مفهوم را بسازند.^۴

۱) دانایان، مک‌دائل، نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین علی نودری، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۹.

۲) همان، ص ۱۹. ۳) همان، ص ۳۴. ۴) همان، ص ۳۵.

تحلیل گفتمان در حقیقت تحلیل متن است، چه کتبی و چه شفاهی؛ و چون کلام بدون پیش‌زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بافتی به وجود نمی‌آید، لذا تحلیل یک سخن در حقیقت بررسی و تحلیل زمینه‌های بروز آن است. بنابراین، آنچه در تحلیل گفتمان تأثیرگذار است، توجه به عوامل برون‌متنی و درون‌متنی با هم است. بستری که یک کلام در آن به وجود می‌آید و آن را شکل می‌دهد در تحلیل آن مؤثر است.

تاکنون درباره گفتمان قرآن کریم، به معنای مدرن آن، اثری نگاشته نشده است. کتاب حاضر، ضمن بررسی مبانی گفتمان و مسائل بافت و متن و پیشینه این مباحث در سنت غربی و عربی، به تطبیق مبانی آن بر قرآن کریم و به عنوان نمونه موردی به سوره بقره پرداخته است. نویسنده کوشیده است مسائل تحلیل گفتمانی را از سه زاویه آثار علوم قرآنی، مفسران، و علمای اصول فقه تحلیل کند.

در پایان از جناب آقای علی اصغر علمی، مدیر محترم انتشارات سخن، که به نشر این چنین آثار و معرفی چهره زیبای قرآن کریم به نسل جوان و قرآن‌پژوهان اقدام می‌کنند، سپاسگزاری می‌کنم.

سید حسین سیدی

مشهد مقدس، تابستان ۱۳۸۸

مقدمه

اصطلاحاتی چون «متن»، «بافت» و «گفتمان» در پژوهش‌های زبان‌شناختی معاصر به ویژه با پیدایش مباحثی چون «متن‌شناسی» و «زبان‌شناسی گفتمان» جایگاه ویژه‌ای یافته است. لذا کوشیدم با بررسی‌های مختلف به پرسش‌های رابطه میان متن و بافت در گفتمان‌های مختلف و تأثیر وضع اجتماعی محیط بر موقعیت کلامی در ساخت پیام زبانی در تمام جنبه‌های آن پاسخ گویم. هم‌چنین به بررسی بافت زبانی متن و رابطه آن با بافت‌های موقعیتی شکل‌دهنده آن پرداختم. این مسائل در مجموعه پژوهش‌های مهمی خود را نشان داده است که زبان‌شناسان معاصر چون سوسور، ورت، مالدینوسکی، ساپیر و وان دایک Van Dijk آن را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند.

در مباحث مختلفی که زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی گفتمان بدان می‌پردازند، چیزهایی یافته‌ام که می‌توانند مدخلی مناسب و نو از قرائت گفتمان قرآنی را شکل دهند. مبنای این گزینش هم آن است که گفتمان قرآنی تماماً پیام زبانی کارآمد و همگنی را در بافت نزولی تشکیل می‌دهد و آن (قرآن) را متنی ساخته است که دارای توانمندی ارتباطی شگرفی است و آثار این متن را بر دل و

جان، از گذشته تا حال، می‌توان یافت. شاید حادثه اسلام آوردن عمر هنگام شنیدن آیاتی از سوره «طه» بتواند نمونه‌ای از کارکرد ارتباطی متن قرآن باشد.

اما چرا سوره بقره به عنوان نمونه انتخاب شد؟ این گزینش بدان جهت است که خطاب و گفتمان این سوره متعلق به مرحله مهمی از مراحل دعوت اسلامی است؛ مرحله پس از هجرت و از پی آن تأسیس نخستین حکومت اسلامی و ارتباط آن با داده‌های اجتماعی و فرهنگی روشن به همراه مجموعه متغیرهایی در زمینه‌های مختلف که می‌توان آثار و نشانه‌های آن را در خود متن قرآن یافت.

این پژوهش مشتمل بر یک مقدمه، سه فصل و نتیجه‌گیری نهایی می‌باشد.

فصل اول به مباحث نظری پژوهش در چهار مبحث می‌پردازد. مبحث نخست به تعریف اصطلاحات سه‌گانه اختصاص دارد که این پژوهش بر تعامل آنها با هم استوار است؛ اصطلاحات «متن»، «بافت» و «گفتمان» از خلال دیدگاه‌های مختلف قدیم و جدید. مبحث دوم با عنوان «رابطه میان متن و بافت در آثار غربیان» به شکل‌گیری نظریه رابطه میان متن و بافت در حوزه‌های مختلف پژوهش زبان‌شناختی به ویژه در حوزه متن‌شناسی می‌پردازد. این پژوهش هم‌چنین به تبیین نقش زبان‌شناسی اجتماعی در شکل‌گیری این نظریه پرداخته و مراحل مختلف تحول آن را در حوزه‌های معناشناسی، ارتباطات، فقه اللغة، حوزه نقد و بلاغت جدید و پژوهش‌های سبک‌شناختی نشان داده و نیز نشانه‌ها و آثار این نظریه را در زبان‌شناسی توصیفی، گفتمان‌شناسی و تلاش‌های وان دایک، بنیان‌گذار متن‌شناسی، آشکار نموده است. در مبحث سوم با عنوان «رابطه بین متن و بافت در آثار نویسندگان عرب» به نشانه‌های این نظریه و جنبه‌های توجه به آن در حوزه‌های زبان، نحو، نقد، بلاغت، علوم قرآنی، اصول فقه و تفسیر پرداخته شده است. مبحث چهارم «تجربه‌هایی در روش» نام دارد که در آن به دو تجربه در روش پرداختن که یکی به ادوارد سعید در کتاب متن، ناقد و جهان، مربوط است و دیگری به نصر حامد ابوزید در پژوهش‌های مختلف او پیرامون متن به ویژه دو اثر

او به نام‌های متن، قدرت و حقیقت و معنای متن، پژوهشی در علوم قرآنی. اما فصل دوم که «گفتمان قرآنی در سورة بقره، بررسی رابطه بین متن و بافت در قرائتهای پیشینیان» نام دارد، دارای چهار مبحث است. در این فصل از ابزارهای روش‌شناختی و نظریه‌ای بهره بردم که از خلال چارچوب نظری پژوهش بدانها دست یافتم. در شکل‌گیری تصویرگفتمان قرآنی در سورة بقره در قرائتهای پیشینیان مبحث نخست به قرائتی در کتابهای علوم قرآنی می‌پردازد و مبحث دوم به قرائتی در کتابهای تفسیری و مبحث سوم به قرائتی در کتابهای اصول فقه و مبحث چهارم به قرائتی در کتابهای اعراب قرآن.

فصل سوم «گفتمان قرآنی در سورة بقره میان حدود متن و افقهای بافت» نام دارد که کوششی است در قرائتی تازه از برخی واژگان نظریه رابطه میان متن و بافت در گفتمان قرآنی در سورة بقره که عبارتند از: موضوع متن، عنوان متن در پرتو نظریه بافت، متن و مخاطب نخست، متن و مخاطبان. اینها تنها نمونه‌هایی هستند و تمام نشانه‌های گفتمان قرآنی در سورة بقره را تشکیل نمی‌دهند. در پایان نیز به نتیجه‌گیریهای پژوهش پرداختم.

این پژوهش بر منابع فراوانی از قدیم و جدید و عربی و غیر عربی در حوزه‌های مربوط به مباحث آن تکیه دارد. در میان منابع عربی از کتابهای نحوی، به ویژه کتابهای اعراب قرآن و لغت‌نامه و قاموسها، کتابهای نقدی و اصول فقه و علوم قرآن و تفاسیری چون کشاف زمخشری، جامع البیان طبری و تفسیر کبیر فخر رازی و از منابع جدید عربی و کتابهای نقد و آثار مربوط به متن و تحلیل آن و مباحث مربوط به قرائت پدیده‌های زبانی در پرتو رویکردهای جدید مثل نظریه‌های دکتر عبدالسلام المسدّی، دکتر صلاح فضل، دکتر نهاد الموسی، دکتر محمد مفتاح، دکتر نصر حامد ابوزید، دکتر عبدالله الغدّامی، دکتر احمد المتوکل، دکتر تمام حسان، دکتر محمود السمران، محمد الخطابی، سعید یقطین، الازهر الزناد، عبدالقاهر الغاسی و ... بهره بردم.

در میان آثار غیر عربی از آثار مرتبط با معناشناسی از جان لاینز و زبان‌شناسی مثل ورت و بلومفید و مباحث مربوط به تحلیل متن و زبان‌شناسی گفتمان و جامعه‌شناسی متن و پژوهشهای سبک‌شناختی استفاده کرده‌ام. در میان این آثار پژوهشهای یاکوبسون، بارت، کریستوا، امپراتوکو، تودورف، ژرار ژنت، دکرو، ریچاردز، هادسن، گرام هوف، وان دایک، هالیدی، براون و یول، بیوگراند، درسler، نورتروپ فرای و ساپیر مورد استفاده قرار گرفت. در ضمن از فرهنگهای زبان‌شناسی نظری و پژوهش ژاک برک هنگام قرائت قرآن بهره بردم.

بررسی متن قرآن تلاشی است که هرگز خالی از دشواری نخواهد بود؛ مهم‌ترین این مشکلات گستره دامنه اطلاعات و پژوهش‌های مرتبط با آن در قدیم و جدید است که حجم بالایی از کار پژوهشی و استقرایی را تشکیل می‌دهد. در ضمن نگرش و قرائت تازه از متن قرآن در پرتو رویکردهای نوین امری پیچیده خواهد بود که باید با احتیاط بسیار در نتیجه‌گیری و داورها همراه باشد. چنان‌که بررسی دیدگاههای قابل طرح در تجربه‌های روش‌شناختی پیرامون موضوع به نوعی از شایستگی آکادمیک نیازمند است؛ به ویژه آن‌جا که به بررسی دیدگاه نصر حامد ابوزید و ادوارد سعید مربوط می‌شود و احتمال تغییری که این نگرش در مناسبات معیار روش اسلامی ایجاد نماید. البته برخی از مسائل آن را در حوزه آکادمیک مصر پس از انتشار کتاب مفهوم النص ابوزید دیده‌ایم. از طرف دیگر بررسی آثار کلاسیک در حوزه اصول فقه و قرائت‌های قرآنی و ناسخ و منسوخ با اصطلاحات و آرا و وجوه و نظایر مشکل دیگری در خلال پژوهش است.

این پژوهش کوشیده است تا برخی از آثار و نشانه‌های تناسب زبانی در گفتمان قرآن را با داده‌های مختلف بافت، روشن نماید و سعی نموده تا ابتدای متن را برای دستیابی به بافت و ابتدای بافت را محیط بر متن برای دستیابی به ساخت زبانی آن در دو محور به هم مربوط کند. این دو محور درهم تنیده عبارتند از: ۱. محور همزمانی که در تحلیل پدیده‌ها بر روابط و ساختهای مرکب و پیوستگی آنها در

بافتی به هم پیوسته در یک نگرش بافتی مشخص تکیه می‌کند، ۲. محور در زمانی که به تحول پدیده‌ها و تغییر وضع آنها در دوره‌های زمانی پیاپی توجه دارد. به همین جهت در استقرای رابطه بین متن و بافت در گفتمان قرآن در سوره بقره گاه به رویکرد توصیفی توجه دارد و گاه به رویکرد اجتماعی.

امیدوارم به پژوهشهای تطبیقی زبان‌شناختی نکته تازه‌ای افزوده باشم و در این نزدیک شدن به متن قرآن در پرتو رویکردهای جدید، خدمتی به کتاب خداوند باشد و پرده‌برداری از برخی جنبه‌های اعجاز آن در تعامل با انسان و هستی و زندگی در جنبه زبان‌شناسی اجتماعی که روش زندگی و قانون استوار آن است.

الحمد لله رب العالمین

خلود العموش